

پیکار پامیر

09-11-2011

## افغانستان در چنگال ( آی . اس . آی )

مولانا جامی، این شاعر و عارف بزرگ کشور ما چنین فرمود:

آدمیت نه به نطق است ، نه به ریش است ، نه بجان

طوطی هم نطق، بزهم ریش و خر هم جان دارد .

سرزمین اجدادی ما، از بسکه بی دلسوز، ابتر و آشفته حال افتیده است، از مدت‌هاست ، هر عنصر سفله‌ی بی خرد و هر بیگانه‌ی دغلباز بی ارزش، هر آنچه بعنوان بدی و مضرت و اهانت از دست و زبانش بر آمده و یا بر می آید، در حق این خطه‌ی کهنسال و ساکنان غمدیده آن دریغ نکرده و نمیکند. این بدیها و بد کرداریها تا آنجا در حق افغانستان عزیز ما مُد روز شده که علاوه از عده‌ی جاهل، خود فروخته و بی خرد داخلی، حتا خارجی های طماع و بد کردار نیز در این میدان جفاکاریها، کاسه‌ی داغتر از آش گردیده آنچه بنام پلان و حرف و برنامه‌ی ضد انسانی و ضد منافع ملی مردم افغانستان است، بدان می پردازند و هر روز، عبا و قبای دیگری بر تن سرنوشت مردم ما می کنند. در میان آنهمه خارجی های غدار، جنرالان و رهبران پاکستانی قرار دارند که در هر شب و روز از طریق تبلیغات، تحریکات، تهدیدها، دروغگویی ها ، تحریف ها و غداریها، بسوی افغانستان لجن می پراکنند. یکی از جنرالان دشمن کیش پاکستانی بنام " پرویز مشرف" که چند سالی بحیث رییس جمهور فریبکار نظامی بالای مردم پاکستان حُکم راند و در حق افغانستان مرتکب جنایت های عظیمی شد، علی رغم آنکه در همین شب و روز در تبعید بسر می برد و از سوی محاکم پاکستان بخاطر ارتکاب قتل و توطئه و جنایت، تحت تعقیب است ، باز هم، با دلگرمی به ارتش و شبکه‌ی آی . اس . آی آن کشور، به اینجا و آنجا سفر هایی انجام میدهد و افراد و مؤسسات معلوم الحال (امریکایی ، انگلیسی و پاکستانی) برایش کنفرانسهایی ترتیب میدهند تا این شاگرد ممتاز استعمار "سخنرانی" داشته باشد. بهمین سلسله و در جریان همین هفته، جنرال مذکور سخنرانی بی داشت در یک کنفرانسی که در امریکا برگزار شده بود و نیز مصاحبه هایی با خبر نگار (سی ان ان ) انجام داد. من، سخنان او را در یک " کلب " مستند ویدیویی استماع کردم و بار دیگر، بعنوان عضو با احساس جامعه‌ی سرکوب شده‌ی افغانستان در غربت، نتوانستم ناراحتی ام را در برابر کذب و دروغگویی و اهانت این جنرال پاکستانی علیه افغانستان فرو خورم. البته در این لجن پراگنی ها و افغانستان ستیزی ها، پرویز مشرف تنها نیست، بلکه ده ها و صدها جنرال و کرنیل و جرنیل نظامی، مامورین عالیرتبه‌ی دولتی، رهبران احزاب و تنظیم های مرتجع مذهبی ، صوبه داران، ملاها و مفتی های سیاه درون پاکستان نیز همدست و همکار بوده این گروه شیاد در حقیقت، سوگند یاد کرده اند که تا افغانستان را از طریق برنامه های شیطانی آی. اس. آی ، یاران غربی و اجنت های بومی خویش از پا در نیاورند، آرام ننشینند. جنرال مشرف، در برابر سؤال روزنامه نگار امریکایی پیرامون اوضاع افغانستان و مداخلات حکومت

پاکستان ، بخصوص شبکه ی جاسوسی ارتش آن کشور ( آی. اس. آی ) ، درحالیکه قیافه ی حق بجانب بخود اختیار نموده بود، سعی میکرد وضعیت افغانستان و رویداد های سیاسی – نظامی و حتا نژادی افغانستان را طوری توضیح و تشریح نماید که تو گویی وی نه یک جنرال پنجابی ارتش پاکستان ، بلکه یک عنصر صلاحیت دار درمورد افغانستان و یک وکیل مدافع پشتونهای افغانستان بوده در بحبوحه ی جنگها، خونریزی ها و کشتن ها و راندن ها ی چند ساله در کشورما، نه تنها هیچ تقصیر و دخالتی نداشته اند ، بلکه زیان های بسیاری را نیز بخاطر افغانستان متحمل شده اند (!؟)

پرویز خان، با بی حیایی کامل میگوید : " تاجکان افغانستان که هشت فیصد نفوس آن کشور را تشکیل میدهند، قدرت دولتی را غصب نموده و پشتون ها را که پنجاه فیصد نفوس افغانستان را میسازند و همیشه قدرت حاکمه را در دست داشته اند، ازحاکمیت محروم ساخته اند، بنابراین، طالبان بخاطر اعاده حقوق خویش عروج کرده اند. "

این جنرال بی حیای پاکستانی می افزاید که : " القاعده اصلاً در افغانستان است ، نه در پاکستان" و در جای دیگر میگوید : " جنگجویان کشمیر هم با طالبان یکجا شده اند و مجاهدین مسلمان چین هم به مناطق قبایلی پاکستان آمده اند. . . "

پرویز مشرف از اظهار این مطلب خجالت نمی کشد و ابا ندارد وقتی میگوید : " سرکوبی گروه حقانی در پاکستان، منافع پاکستان را به خطر مواجه میسازد" و یا می افزاید که " آی. اس. آی باید از منافع پاکستان در قبال افغانستان دفاع نماید. " او در برابر سوال خبر نگار مبنی بر حصول ده میلیارد دالر امریکا در ده سال اخیر میگوید، " وقتی افغانستان یکصد و ده میلیارد دالر را بدست می آورد، ده میلیارد دالر برای پاکستان چیزی نیست." و باز علاوه میکند که " از جمله ی ده میلیارد دالر که پاکستان بدست آورده ، پنج میلیارد دالر آن حق مسلم پاکستان است ، یعنی مزد خدمتگزاری پاکستان برای امریکاست . "

البته اظهارات این جنرال دروغ پرداز پاکستانی در مورد کشور عزیز ما نه تازه گی دارد و نه هم تعجب برانگیز است ، زیرا در گذشته ها نیز مانند هم قماشان بد طینت خویش، مرتکب چنین خطا های مخاصمانه ی سیاسی شده است . اما نکته در اینجاست که اگر افغانستان امروزما، دارای یک دولت مردمی، یک دستگاه آگاه وفعال دیپلماتیک و یک نظم و قاعده ی دولتمداری مطابق بخواست ملت و دولتمداران با غرور و با مسوولیت میداشت، با پاسخگویی دیپلماتیک، با اقدامات مقتضی سیاسی -تبلیغاتی ، با اخطار ها و اعتراض های منطقی و آگاهگرانه در سطح منطقه و جهان، حتماً در برابر چنین گستاخی ها، مداخله ها و تحریکات اجانب داخل اقدام مؤثر و خنثی کننده میشد. پس وقتی، رییس جمهور کشور، موشک باران قلمرو افغانستان توسط ارتش پاکستان را که همه شاهد آن بوده اند، بی اساس بخواند، دربرابر جنایتکاران مسلح تضرع کند، دزدان و تروستان را برادر خطاب نماید، پذیرش رشوه از خارجی ها را تا سطح ارگ جمهوری روا بداند، اجنت های آی اس آی پاکستان را در پُست های مهم دولتی بگمارد و عاری از هر نوع واکنش و خاصیت ملی و افغانی باشد، پرویزمشرف ها، جنرال حمید گل ها، مولانا فضل الرحمن ها، قاضی حسین ها و صد ها جرنیل و کرنیل دیگر پاکستانی، چرا علیه افغانستان نه غرُند و گستانی و بی حیایی آشکار و مکرر نکنند ؟

هم میهنان گرامی ! مصیبت های ما، تنها در چنین گفتار ها و بی حیایی های عناصر دشمن کیش اجنبی خلاصه نمیشود، بلکه درد ها و مصیبت های ما گسترده تر از آن است که گفتیم . در همینجا ضرور خواهد بود بمثابة ی رفع مسوولیت انسانی و افغانی خویش علاوه نمایم که اگر مردم عزیز ما چندین سال در چنگال خونین شبکه ی جاسوسی روس بنام ( کی جی بی ) و متمم بی رحم آن، یعنی " خاد " در کشور گیر مانده بودند و همه افکار و توجه بدان معطوف شده بود. امروز، شبکه های جاسوسی ایران ، عربستان سعودی و بخصوص ( آی اس آی ) پاکستان در جنوب شرق افغانستان و حضور اجنت های خرید شده ی افغانی آن در میان کتله های هم میهنان ما حتا در خارج از افغانستان دست بکار اند . این شبکه ی جهنمی پاکستان بمثابة ی اختاپوس زهر آگین در منطقه، با امکانات مادی و تکنیکی فراوانی که ظرف چند سال اخیر از خیرات خون ملیونها شهید افغانستان بدست آورده است ، صد ها افغان را نه تنها در داخل افغانستان بر ضد منافع ملی ما مؤظف ساخته است ، بلکه در خارج از افغانستان نیز از هیچ نوع اقدام و سبوتاژ علیه وطندوستان ، تبلیغات نا جوانمردانه، فحاشی ، اتهام زنی و منحرف سازی افکار و اندیشه ی سالم مردم ما دریغ نمیکند. مثلاً، این شبکه ی خونخوار به مجردیکه ببیند یک یا چند افغان وطنپرست و با وجدان که هنوز در اینجا و آنجا زنده مانده و در افشأ کار ها و برنامه های رذیلانه ی آن با زبان یا با قلم اقدام میکنند، اجنت های مخفی افغانی اش را دستور میدهد تا فحاشی و هوچی گری را به راه اندازند و علیه شخصیت های صادق و مبارز واقعی افغانستان به اصطلاح کمپاین تبلیغاتی و تحریکاتی به راه بیندازند. ولی اعتقاد ما بر اینست که هرچند شب سیاه ، به روی همه امید ها و ارزشها، پرده ی وهم و شک و دو دلی و نا باوری گسترانید ه و ابر های تیره ی افتراق و اشتقاق و مخاصمت های قومی و زبانی و ذات البینی ، آسمان زنده گی ما افغانها را سخت مکرر نگهداشته است، اما دیری نباشد که بار دگر صبح صادق طلوع کند و چهره های مسخ شده ی دروغگویان و لفاظان و جفا گران داخلی و خارجی را رسوا تر از امروز بنمایاند و ملت بجان رسیده ی ما بتواند در روشنایی حق و حقیقت ، نفس آسوده بر آورد . پس چقدر به مورد خواهد بود اگر با در نظر داشت گستاخی های جنرال پرویز مشرف و اعمال و کردار اجنت های ( آی اس آی ) در غربت، یکبار دیگر، سروده ی حضرت جامی را تکرار کنیم که فرمود :

آدمیت نه به نطق است، نه به ریش است نه بجان

طوطی هم نطق، بزهم ریش و خر هم جان دارد.